

آینه

یادداشت: «جایگاه گفت‌وگوی تمدن‌ها کجاست»؛

هادی خانیکی

در عین اقبال جهانی و نیاز تاریخی به گفت‌وگوی فرهنگ‌ها باید به این واقعیت نیز توجه کرد که به‌رغم پیشگامی ایران در طرح ابادارایم گمتوگو به مثابه یک رویکرد تازه نظری و عملی برای ایجاد دنیایی بهتر؛ در داخل کشور فضای تیره رقابت‌ها و مناقشه‌های سیاسی میان گروه‌های مختلف، نگذاشت که به افق‌های اندکی دورتر از پیش پای سیاست نظر شود و آثار و منافع ملی و بین‌المللی حاصل از این اقبال و نیاز به چشم درآید. ایده گفت‌وگوی فرهنگ‌ها در عرصه سیاست داخلی نوعی سرگرمی خاص محافل روشنفکرانه و احیاناً ابزاری برای دور شدن از ارزش‌های انقلابی قلمداد شد و ماجراها در پی داشت مشهورترین آثارش نته‌نا توقف و توقیف فعالیت‌های معطوف به گفت‌وگوی تمدن بلکه محو نام‌ها و نمادهای یادآور آن در دولت اسولگرای آقای احمدی‌نژاد بود. مرکز دولتی گفت‌وگوی تمدن‌ها منحل شد و نهاد مدنی آن با انواع توضیقات سیاسی رویه‌ور شد و شره به علمی و فرهنگی آن یعنی «آیین گفتوگو» تنها با انتشار یک شماره توقیف شد و محدودیت تا آنجا رفت که مطبوعات در این سال‌ها مجاز نبودند در سخن از گفت‌وگوی تمدن‌ها نام خاتمی را بیاورند بحث درباره ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها بدون نظر به‌پرداز آن خود معرف تنگی دایره سیاست در این سال‌ها برای پرداختن به گفت‌وگوی فرهنگ‌هاست.

ایران

«بی‌مهری رسانه ملی»

دست آخر اینکه مصاحبه مهم حسن روحانی با شبکه تلویزیونی (ان‌بی‌سی) که از سوی رسانه‌های معتبر جهانی مورد توجه قرار گرفت از سویی صداسویما دیده نشد و بخش خبری خراسان ۱۴۲ شبکه اول سیما به‌عنوان خبری حاشیه‌ای بعد از خبر سفرهای تابستانی منتشر شد تا شبیه آغاز سالسور دولت یازدهم شکل بگیرد. همچنین سفر هیات ایرانی به نیویورک هم به همین سرنوشت دچار شد و جایی در خبرهای مهم سیما نیافت. این در حالی است که در موارد مشابه هرگاه دولت نهم و دهم برنامه‌های دیپلماتیکی انجام می‌داد با حمایت رسانه‌ای گسترده صداسویما مواجه می‌شد.

اعتقاد

یادداشت: «دیدار غیرمترقبه دو رییس‌جمهور»؛ حسین واله

تمام مشکلات ما ناشی از دشمنی آمریکا نیست. اما سیاست تسریع در حل مشکلات با آمریکا باز هم اولویت دارد: خلع بهانه اسرائیل برای تهدید ملایم ایران و متحدان ایران، مایوس شدن ارتجاع عرب از بهربرداری از خصوصیت ایران با آمریکا برای پیشبرد مطامع سلطه‌جویانه در جهان اسلام و جهان عرب، کاهش زمینه رشد تروریسم کور با چاشنی طائفی که امنیت جهانی اسلام را در مخاطره قرار داده است و سرانجام فوریت شدید همه موارد فوق. اجلاس عمومی سازمان ملل متحد مناسب‌ترین فرصت برای ابتکارهای دیپلماتیک است. در اجلاس آتی، فرق آمریکای پوشش با آمریکای اوباما و فرق ایران احمدی‌نژاد با ایران روحانی باید در رفتار دو رییس‌جمهور تجلی کند چنان‌که در ۲۰۰۱ اجماع جهانی بر سر گفت‌وگوی تمدن‌ها مقاصد عالی‌ه جمهوری اسلامی ایران را متجلی ساخت.

جمهوری اسلامی

سر مقاله: «اینست اعتدال در سیاست»

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در عکس‌عملی نسبت به مصاحبه دکتر روحانی رییس‌جمهوری اسلامی ایران با شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی گفت: مصاحبه رییس‌جمهور ایران نوعی بازی با الفاظ با هدف فریب دادن غرب است. خبرنگار شبکه ان‌بی‌سی از دکتر روحانی پرسید: آیا شما هولوکاست را افسانه می‌دانید؟ دکتر روحانی جواب داد: «من، تاریخان نیستم، سیاستمدارم…» تفاوت روش دکتر روحانی در پاسخ دادن به سوال این قبیل خبرنگاران با افرادی که خود را تاریخان و سیاستمدار و روشنفکر و اقتصاددان و فیلسوف و همف‌نحریف می‌دانند و با اشتیاق فراوان به هر سوالی پاسخ می‌دهند اینست که ایشان به همان دالمی که برای آنها پهن شده است می‌فتند و آنکس که چه بسا تاریخان هم باشد ولی وارد این بحث‌ها نمی‌شود، خود را با زیرکی از دام‌ها نجات می‌دهد و به مسایل مهم‌تری می‌پردازد. تفاوت مهم‌تر اینست که نیتشان در دام رسانه‌های غربی، بهانه‌ای برای وارد ساختن آسیبه‌های فراوان به کشور و منافع ملت به دست آنها و دست‌های پشت‌پرده و صحنه‌گردان نمی‌دهد ولی کسانی که در این دام می‌افتند برای رضای نفسانیت خودشان، زمینه را برای وارد شدن ضربات زاینبار به کشور و ملت فراهم می‌کنند.

کیتان

«گفت و شنود» «هیچی»

گفت: سسختگوی کاخسفيد از احتمال دیدار روحانی با لویما در نیویورک خبر داده است.

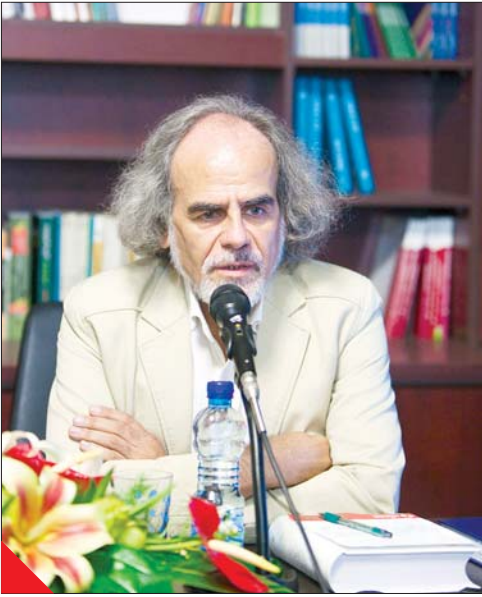
گفتم: آقای روحانی هم در پاسخ به خبرنگار ان‌بی‌سی که پرسیده بود آیا در نیویورک با لویما ملاقات می‌کنید؟ گفته بودند: عالم سیاست هر چیزی را ممکن می‌داند!

گفت: آمریکابه‌خاطر شکست‌های پی‌در پی ۱۰سال اخیر از ایران و جبهه مقاومت به این ملاقات احتیاج دارد تا وانمود کند که ایران از مواضع انقلابی خود کوتاه آمده است! ولی این ملاقات برای ایران اسلامی چه سودی خواهد داشت؟ گفتم: چه عرض کنم؟! یارو به رهگدتری گفته: می‌توانی این چمدان سنگین را تا طبقه هفتم برای من حمل کنی؟! رهگذر پرسید: در مقابل چه می‌دهی؟ و یارو جواب داد: هیچی! رهگذر بعد از آنکه چمدان را به سستی حمل کرد، منتظر مزدش بود و گفت: مالا همان هیچی را بده! و یارو گفت: گوشه آن فرش را بالا بزن-چه می‌بینی؟ رهگذر گفت: هیچی! و یارو گفت: همان را برادر و برور!

اندیشه

سخنرانی مصطفی ملکیان در نشست نقد و بررسی کتاب «روانشناسی دین براساس رویکرد تجربی»

دین یا معنویت؟



تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

تصویر:

بُعدِ روانشناسی این گرایش را نمی‌توان فقط با محیط و خانواده توضیح داد. به سنخ شخصیتی فرد هم بستگی دارد و مثلاً افراد درون‌گرا به یک مذهب علاقه‌مند می‌شوند و افراد برون‌گرا به مذهبی دیگر.

میحت چهارم کتاب این است که تفاوت‌ها و مشابَهت‌های دین‌ورزی را با پدیده‌های مشابه توضیح می‌دهد: تفاوت دین‌ورزی با اخلاق، عرفان، خرافه‌پرستی، پدیده‌های پاراسایکولوژیک همچون رمالی، جن‌گیری، تسخیر ارواح و… از ۴۵ پدیده فراروانی هشت مورد را مطرح می‌کند. دست آخر هم تفاوت «دین» و «معنویت» را بیان می‌کند. تا ۴۰ سال پیش هیچ نظریه‌ای در حوزه دین‌شناسی بین این دو مفهوم تفاوت نمی‌گذاشت. اما امروزه دین‌ورزی و معنویت دو مفهوم جداگانه محسوب می‌شوند. می‌توان دینداری بود و معنوی نبود یا برعکس، یا هم دیندار بود و هم معنوی. بهتر بود این مبحت هم در فصل چهارم مطرح می‌شد. همچنین در این فصل در بخش دوم باید ارتباط این مقوله‌ها با دین هم گفته می‌شد. ارتباط عرفان با دین، ارتباط معنویت و دین و…

معایب و نواقص کتاب

در کتاب باید فصل پنجمی هم وجود می‌داشت و به این بحث می‌پرداخت که چرا برخی دینداران برای همیشه روی گرایش خود باقی نمی‌مانند در این مقوله چهار مقوله شک در آموزه‌های دینی، دین‌گردایی، بدعت و ارتداد مطرح می‌شود. این مسایل در کتاب اسپیلکا مطرح شده اما منسجم نیست. فصل بعدی باید به این نکته اختصاص یابد که وقتی کسی دین آورد و ما به او گرایش پیدا کردیم این اتفاق یک سلسله نهاد در جامعه ایجاد می‌کند؛ نهاد روحانیت، نهاد فرقه و نهاد نخله. این نهادها را تجربه دینی به‌وجود می‌آورد. اینکه اینها چه آثاری دارند باید در این فصل بررسی شود.

فصل دیگری هم باید به تأثیر تدسین در زندگی ما اختصاص می‌یافت: تأثیری که دین در نهادهای خانواده، اقتصاد، سیاست، تعلیم و تربیت، حقوق و نهاد اخلاق به‌وجود می‌آورد. همچنین بررسی عملی دین‌ورزی در خود فرد هم باید در این فصل بررسی شود. تأثیر دین‌ورزی در آرامش، امید، شادی، رضایت از خود و… چیست؟ دین ممکن است تعصبات را از بین ببرد. همچنین می‌تواند تعصب به‌وجود آورد. به‌جز تعصب در مورد تبعیض هم باید صحبت شود؛ اینکه مثلاً مسلمانان در دعای خود فقط مسلمانان را دعا می‌کنند. فصل دیگری نیز باید وجود می‌داشت و به مساله غایت دین می‌پرداخت. اینکه وری سود و زیان قرار است به کجا برسیم؟ در بحث تجربه دینی متدینین مساله استجابت دعل تعالی، مراقبه و… به‌وجود می‌آید.

دین‌ورزی و مرگ

تأثیر دین‌ورزی بر میحت مرگ چیست؟ تأثیر دین روی مرگ را باید به شقوق مختلف تقسیم کرد. اول مرگ به‌معنای زندگی. چون زندگی عین مرگی است؛ مرگی به‌معنای فرآیند مردن. یعنی در یک ثانیه‌ای که بیشتر نفس می‌کشیم در عین اینکه یک ثانیه زندگی کرد‌ه‌ایم یک ثانیه هم به مرگ نزدیک‌تر شده‌ایم. برخی هم مرگ را احوال نزدیکی‌های مرگ می‌دانند. از وقتی فهمیدی چند روز دیگر می‌میری احوال نزدیک به مرگ شروع می‌شود. در سنت، مرگ ناگهانی را علامت غضب خدا می‌دانند. گاهی هم از مرگ به‌عنوان خود لحظه مرگ و آخرین نفس نسام می‌پریم. گاهی هم وضع خود را پیس از مرگ مطرح می‌کنیم. وجود یا عدم وجود زندگی پس از مرگ، تدین در یک چیز دیگر هم اثر دارد و آن مرگ‌اندیشی است. اینکه چقدر به مرگ فکر می‌کنیم یا نمی‌کنیم، مرگ پایان زندگی است اما مرگ‌اندیشی آغاز زندگی است. اسپیلکا به مسایل دیگر در مورد مرگ هم می‌پردازد. از جمله اثنا‌زایی و قتل از روی ترحم و اینکه نظر مذهب در مورد این نوع مرگ چیست؟ همچنین درمورد ارتباط مذهب و خودکشی صحبت می‌کند. در بخشی هم در مورد داغ‌دیدی صحبت می‌کند. مذهبی‌ها یک‌جور با داغ‌دیدی مواجه می‌شوند و غیرمذهبی‌ها به گونه‌ای دیگر. همچنین درمورد آندوه فراق از دست دادن عزیزان که با داغ‌دیدی چند روز پس از مرگ فرق دارد و ماندگارتر است صحبت می‌کند. مثلاً اینکه دفعه‌ه رفتن به قبرستان فقط در انسان‌های مذهبی وجود دارد یا در غیرمذهبی‌ها هم هست؟



در نشست روز پنجشنبه ۲۸ شهریور مطرح شد

آیا برخورد تمدن‌ها یک نظریه بود؟

باید به این برنامه‌ها کمک کند، اما این کار نباید با جداسازی مدارس انجام شود، یعنی شانس یا فرصت یاری یکدیگر را یکدیگر می‌سرود، و دوست‌شدن آنها، آشنایی آنها با فرهنگ‌های یکدیگر از آنها گرفته شود و از آنها انسان‌هایی تک‌بعدی یا تک‌هویتی ساخته شود که هر که را از خودشان نیست دشمن بیندارند و نسبت به او خشن و بی‌رحم باشند، این مرحله نخست گفت‌وگو است، گفت‌وگو میان کودکان، تا چه رسد میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، «پرویز علوی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و مترجم کتاب «برخورد درون تمدن‌ها» نوشته دیتر زینگهاس نیز سخنان خود را با عنوان منازعه میان فرهنگ‌ها یا منازعات درون‌فرهنگی آغاز کرد و در تحلیل و توضیح دیدگاه دیتر زنگهاس گفت: «از دید زینگهاس اصلا مهم نیست تمدنی چقدر قدیمی است، بلکه میزان توسعه‌یافتگی این تمدن اهمیت دارد. باید به میزان توسعه‌یافتگی و مدرنیزاسیون یک تمدن توجه کنیم، با این توضیح که مدرنیت یعنی تغییر تفکر و مدرنیزاسیون یعنی نوسازی. برخلاف ما که این سال‌ها درگیر فرار مغزها بودیم چین و ژاپن با بازگشت مغزها مواجهند. ما ایرانی‌ها به یک توسعه دروزنا، پایدار و فعال نیازمندیم و این تنها یک شرط دارد، جهانی به‌دینشیم و محلی عمل کنیم، ما باید فرهنگ‌ها را با فضای خودمان هماهنگ کنیم، با اگر خواهان دموکراسی هستیم از تجربه دموکراسی دنیا استفاده کنیم.» در پایان مراسم شروین وکیلی با طرح پرسش «حدود حوزه تمدن ایرانی کجاست؟» و پاسخ به این سوال بحث خود را آغاز کرد و به وضعیت تمدن ایرانی و چشم‌انداز پیش‌روی آن پرداخت.

شرق، گروه اندیشه؛ اولین سخنرانی مصطفی ملکیان بعد از مدت‌ها به دغدغهٔ این سال‌های او اختصاص داشت: روانشناسی دین. ملکیان که در سال‌های اخیر کمتر در فضای عمومی حاضر شده، پنجشنبه گذشته در جلسه نقد و بررسی کتاب «روانشناسی دین براساس رویکرد تجربی» سخنرانی کرد. نقد این کتاب با ترجمه محمد دهقانی از سری سلسله‌نشت‌است نقد و بررسی کتاب موسسه رخداد تازه بود که با حضور مترجم و مصطفی ملکیان برگزار شد. دهقانی به گفته خود بدون هیچ آشنایی‌ای با روانشناسی دین تنها از روی علاقه شخصی این کتاب را ترجمه کرده است. او خود را متعلق به نسلی می‌داند که بیش از نسل امروز، دین برای آنها مساله بوده و هم در مقام نظری و هم در سطح تأثیرات عملی نتایج عینی آن را امروز می‌بیند. در ادامه ملکیان با ارائه نروس مطرح‌شده در کتاب، سرقت‌های مربوط به روانشناسی مذهب را با چیشند دلخواه خود از فصول کتاب توضیح داد. آنچه در پی می‌آید صحبت‌های او در این‌باره است.

کتاب «روانشناسی دین بر اساس رویکرد تجربی» سرشار از اصطلاحات و مسایل تامل‌برانگیز است. رویکرد اسپیلکا و همکاران رویکردی کاملاً تجربی است و این حسن کتاب است. یعنی صرفاً نظریه‌پردازان فلسفی ندارند. هر سخنی با روش‌های تحقیق آماری، پرسشنامه، تحقیقات میدانی و همه آنچه ستون علوم تجربی است انجام شده است. این رجحان کتاب اسپیلکا به کتاب ولف است. او فضا را برای پایه‌گذاری باز نمی‌گذارد. اگر نگویم عدد زبان علم است اما دست‌کم زبان علوم تجربی نباید از زبان اعداد و ارقام و آمار فاصله بگیرد. مساله دیگر در مورد این کتاب این است که وقتی عنوان کتاب را می‌شنویم گمان می‌کنیم مباحث کتاب همه در حوزه روانشناسی است. اما مباحث زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی هم مطرح می‌شود. پس چرا اسم کتاب صرفاً روانشناسی است؟ حال آنکه مسایل زیستی هم مورد‌توجه قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین شاخه‌ها و مکاتب روانشناسی، روانشناسی فیزیولوژیک است. در این نوع نگاه ردیاب هر پدیده روانی را در بدن و تن دنبال می‌کنند. آیا این یک شاخه از روانشناسی است یا یک مکتب در روانشناسی؟ می‌توان گفت روانشناسی فیزیولوژیک یک شاخه یا پهلوی‌زننده زیست‌شناسی، برخی هم می‌گویند روانشناسی فیزیولوژیک یک مکتب روانشناسی است و از منظر خود به کل روانشناسی می‌نگرد. همچنین مسایل جامعه‌شناساختی هم در کتاب می‌بینیم. چرا روانشناسی در مورد جامعه و مثلاً آمار اعتبار در بین بی‌دین‌ها حرف می‌زند؟ روانشناسی از نظر متقدمان دو شاخه است: روانشناسی فردی و روانشناسی اجتماعی. اما امروز فیلسوفان قایل به این تقسیم‌بندی نیستند و کل روانشناسی را اجتماعی می‌بینند. هیچ پدیده روانی فردی نداریم و همه چیز در ارتباط با جامعه است. زمانی که اینها جدا بودند میحت هوش و حافظه در روانشناسی فردی به‌شمار می‌آمد. برخلاف تقلید که به روانشناسی اجتماعی توجه داشت. اما امروزه حتی هوش و حافظه را هم روانشناسی اجتماعی می‌دانند.

مساله سوم در مورد کتاب این است که اسپیلکا و همکارانش در این کتاب هیچ نگاه اپیدئولوژیکی به دین ندارند. اگر هم فی نفسه دارند در کتاب نشان نمی‌دهند؛ مثلاً موضع منفی یا مثبت یا لائری. اما اگر دقیق باشیم باید نتیجه‌گیری کنیم که در همه مبحت موضع موافقت یا مخالفت با دین وجود دارد. نمی‌توان خنثی نگاه کرد. اگر در جایی ارزش مثبت برای دین قایل می‌شوند با توجه به تحقیقات آماری باید آن را بپذیریم و اگر هم لازم باشد ارزش‌گذاری منفی کنیم. امروزه مد شده یکی از مولفهای روشنفکری بی‌طرفی است. حال آنکه روشنفکر نسبت به حقیقت طرفدار است و نسبت به خزعبلات موضع منفی می‌گیرد.

دین تاریخی در پیوند با تجربه دینی

تلاش خواهیم کرد مطالب مطروحه در کتاب را با نظمی دوباره بیان کنیم. اساساً دین تاریخی همیشه با تجربه دینی، تجربه عرفانی، یا تجربه ماورایی بنیانگذار آن آغاز می‌شود. مثلاً دین بودا با تجربه ماورایی شخص بودا آغاز می‌شود. دین اسلام هم با تجربه ماورایی حضرت محمد(ص) آغاز شده است. اگر مراد ما از دین، دین تاریخی و نه‌آئدینه و رسمی و استقرار یافته باشد، روز تولد آن روزی است که برای صاحب آن

عصر روز پنجشنبه موسسه پرشش، به همت انجمن

دوستداران میراث‌فرهنگی افراز و موسسه فرهنگی هنری خورشید، مدیران مراسم برگزارکنشت «روز گفت‌وگوی تمدن‌ها» بود. روزی که توسط دولت نهم و دهم از تقویم رسمی کشور حذف شد، اما گویا حذف عنوان در فراموشی اندیشه اثری نداشته… سپیده‌قادری که به‌عنوان عضو شورای هنر و ادبیات موسسه گفت‌وگوی تمدن‌ها، اجرای مراسم را نیز برعهده داشت، با بررسی آرای ساموئل هانتینگتون (مقاله‌ای نوشتهٔ محمد صادقی در نقد و بررسی نظریات طراح نظریه برخورد تمدن‌ها) و آرایه تاریخیهای مختصر از مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها جلسه را آغاز کرد. نخستین سخنران جلسه علیرضا افشاری دبیر انجمن دوستداران میراث‌فرهنگی افراز با بیان چکیده‌ای از آرا و نظریات دکتر محمدعلی اسلامی‌ندوشن در چند مقاله معروف ایشان با عنوان‌های «ایران حرفی برای گفتن دارد؟» و «ایران هم حرفی برای گفتن دارد؟» و آرایه تعریف تمدن از نگاه استاد اسلامی‌ندوشن پرداخت و درباره پاسخ ایشان به این سوال که «چرا ایران برای آرایه پیشنهاد گفت‌وگوی تمدن‌ها واجد شرایط دانسته شده؟» توضیح داد: ایشان این چهار محور را با پاسخ به این پرسش موثر می‌دانند: اول؛ موقعیت جغرافیایی ایران که از قدیم در داووستد عامل پیوند شمال و جنوب و مشرق و مغرب بوده، دوم؛ تمدن قدیمی و اثرگذار بدون قطع پیوستگی‌ها و توانایی در حفظ جوهره تمدن و حفظ و انتقال تجربه‌ها و دستاوردها، سوم؛ توانمندی ایران در به وجودآوردن نخستین حکومت فراگیر جهان قبل از اسلام و چهارم؛ تشکیل امپراتوری فرهنگی بعد از اسلام که از